

بررسی و تحلیل کارکرد بزمها در داستانهای هزار و یک شب و سمک عیار از دید جامعه-پذیری

نقیسه خلیل طوسی^۱، بتول فخراسلام^{۲*}، پروین دخت مشهور^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، مجتمع علوم انسانی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

سال شانزدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۴، صص ۱۳۱-۱۱۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.16.7248

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: جامعه‌پذیری به روندی گفته می‌شود که هر فرد در طول زندگی خود تجربه میکند و بر اساس آن، با مجموعه‌ای از ارزشها، عرفها و هنجارها آشنا میشود و با نظر داشت آن، نقشهای گوناگونی را در جامعه می‌پذیرد. این مقوله نمودهای بارزی را در شخصیت فرد جامعه‌پذیر به وجود می‌آورد و در برابر، اگر این فرایند بدرستی انجام نشود، از او فردی جامعه‌گریز پدید می‌آورد. در فرهنگ ایرانی، راه‌های متنوعی برای جامعه‌پذیر کردن افراد وجود دارد که برگزاری بزمها و مجالس شادی از آن جمله است. بخشی از این فرهنگ دیرینه در کتابهای هزار و یک شب و سمک عیار منعکس شده است. این مقاله با هدف بررسی کارکرد بزمها با عنایت به مفهوم جامعه‌پذیری در آثار مذکور نوشته شده است.

روش مطالعه: این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان میدهد که در جریان برگزاری بزمها مواردی چون انتقال فرهنگ، شکوفاسازی توانمندیها، نهادینه‌سازی ارزشها و هنجارها، آموزش مهارتها و نقشها، ایجاد همبستگی بینافردی و پایداری نظام اجتماعی بعنوان اهداف جامعه‌پذیری مشاهده شده است. **نتیجه‌گیری:** در مجموع، اگرچه بزمها در سطح روساخت برای ترویج شادمانی بوده، در ژرفساخت با هدف تقویت مناسبات بینافردی برگزار میشود است.

تاریخ دریافت: ۱۵ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۳ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۷ تیر ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

هزار و یک شب، سمک عیار، بزم، جامعه، جامعه‌پذیری، فرهنگ.

* نویسنده مسئول:

fakhreslam@iauneyshabur.ac.ir

۲۶۶۳۰۷۸۱ (۰۹۸۵۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigation and analysis of the function of the shindy in the stories of Hezar o Yek Shab and Samak Ayyar from the point of view of socialization

N. Khalitosi¹, B. Fakhreslam^{*1}, P. Mashhoor²

1- Department of Persian Language and Literature, Humanities Complex, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabor, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 04 April 2023

Reviewed: 08 May 2023

Revised: 24 May 2028

Accepted: 08 July 2023

KEYWORDS

Hezar o Yek Shab, Samak Ayyar, Shindy, Society, Sociability, Culture.

*Corresponding Author

[✉ fakhreslam@iaou.neyshabur.ac.ir](mailto:fakhreslam@iaou.neyshabur.ac.ir)

[☎ \(+98 51\) 36630781](tel:+985136630781)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Socialization is said to be a process that every person experiences during his life and based on it, he gets acquainted with a set of values, customs and norms and accepts various roles in the society. This category creates obvious manifestations in the personality of a sociable person and on the other hand, if this process is not done correctly, it creates a person who avoids society. In Iranian culture, there are various ways to socialize people, which include holding festivals and joyous gatherings. A part of this ancient culture is reflected in the books Hezar o Yek Shab and Samak Ayyar. In this research the function of shindy has been investigated with regard to the concept of socialization in the mentioned works.

METHODOLOGY: This research was written with reference to library sources and descriptive-analytical method.

FINDINGS: The results of the research show that in the course of holding festivals, things like: transferring culture, flourishing abilities, institutionalizing values and norms, teaching skills and roles, creating interpersonal solidarity and stability of the social system have been observed as the goals of socialization.

CONCLUSION: Although at the superficial level, festivals were held to promote happiness, but in depth, they were held with the aim of strengthening interpersonal relationships.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7248](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7248)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 0

مقدمه

نوع بشر بعنوان موجودی اجتماعی شناخته میشود. در این رویکرد، برقراری روابط مطلوب و سودمند بینافردی اهمیت ویژه‌ای مییابد؛ زیرا بخش عمده‌ای از مناسبات گروهی از طریق ارتباط گرفتن با دیگران پدیدار میشود. در واقع انسانها پس از ارتباط‌گیری و مشاهده کنشها و واکنشهای طرف مقابل، با بخشی از ارزشها و هنجارهای فردی و اجتماعی آشنا میشوند. این کنش متقابل باعث میشود زمینه‌های لازم برای هماهنگ شدن با مبانی مورد قبول جامعه فراهم شود و سطح تضادها میان افراد جامعه بنحو مطلوبی کاهش پیدا کند و بروز رفتارهای غیرمنطقی و غیرمعمول حذف شده یا کمتر شود. قطعاً بروز هر گونه اختلال در انجام شدن فرایند اجتماعی شدن با آسیبهای جدی در جامعه همراه خواهد بود. در حوزه مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسانه از این شرایط با عنوان «جامعه-پذیری» یاد میشود که «نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن، فرد هنجارها، ارزشها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فراگرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه میسازد» (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۵). در نتیجه بواسطه جامعه‌پذیری، فرد میتواند به عنصری مؤثر در جامعه بدل شود و هنجارهای مطلوب را بیاموزد و از کژرویه‌های اجتماعی و پیامدهای آن در امان بماند. به بیان دیگر، هنگامی که فرایند جامعه‌پذیری در فرد بدرستی انجام بگیرد، احساس ارزشمندی در وی ایجاد میشود و نه تنها به خود، بلکه به کلیت جامعه سود میرساند.

در فرهنگ ایرانی، روشهای گوناگونی برای جامعه‌پذیری در نظر گرفته شده است. فرد از همان ابتدا که بعنوان عضوی از خانواده رشد و پرورش پیدا میکند، با ارزشها و الگوهای منطبق با جامعه ایرانی آشنا میشود و در گامهای بعدی، این فرایند را در مدرسه، جامعه، محیط کار و ... تجربه میکند. در همه این موقعیتهای آنچه به فرد منتقل میشود، زمینه‌های جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن وی را پدید می‌آورد. از آنجا که ادبیات بازتاب‌دهنده بسیاری از مناسبات انسانی و تشریح کنشها و واکنشهای متقابل میان افراد است، در گستره شعر و ادب فارسی، مجموعه‌ای از راهکارهای جامعه‌پذیری بازنمایی شده است. به عبارت دیگر، شاعران و نویسندگان بسیاری در آثار منظوم و منثور خود بصورت مستقیم یا غیرمستقیم از روند جامعه‌پذیری افراد و کیفیت اجتماعی شدن آنها سخن به میان آورده‌اند که بررسی و تحلیل این دیدگاهها در پی بردن به ابعاد لایه‌های روابط اجتماعی در میان ایرانیان اثری مطلوب دارد. یکی از آداب و رسوم رایج در میان ایرانیان (بویژه در گذشته)، بزم‌نشینی و بزم‌آرایی بوده است. شخصیت‌های متنوعی در بزمها حضور پیدا میکردند و ضمن پرداختن به سرخوشی و شادخواری، درباره مسائل مهم صحبت و رایزنی میکردند؛ بنابراین بزم‌آرایی صرفاً برای گذران اوقات و دم‌غنیمت‌شماری نبوده است و با عنایت به وقایعی که در بزمها دیده میشود، باید آن را خرده‌فرهنگی ذیل فرهنگ کلان اجتماعی به حساب آورد. «بزم از هنرهای شاهانه شمرده میشده و آراستن بساط شادی یکی از ویژگیهای پادشاهان قدرتمند و بالیافت نموده میشده است ... همچنین دانستن هنرهای بزمی مانند هنرهای رزمی، نشانه کاردانی بزرگان شمرده میشده و جزو اصول اولیه‌ای بوده که به شاهدگان آموزش داده میشده است» (اخیانی، ۱۳۸۸، مقدمه: ۱۷). در اوقاتی که کشور در صلح و آرامش بوده و خطری مرزها را تهدید نمیکرده است، بزمها برپا میگرددید. فراگیری بزم و شادی در جامعه، بیانگر سرخوشی و انگیزه‌مندی مردم آن جامعه و بالا بودن شاخصه سلامت آنان است. در لغتنامه دهخدا آمده است که بزم در لغت به معنی مجلس شراب، جشن، عیش و مهمانی است. معانی دیگری چون طرب، نشاط، خوشی، سرور، شاد شدن و شادی کردن هم، برای بزم ذکر شده اس. (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل مدخل).

با توجه به ظرفیتهای فرهنگ بزم‌نشینی در تسریع فرایند اجتماعی شدن افراد و کارکردهای چندگانه آن، هدف و

مسئله اصلی تحقیق حاضر، بررسی و تحلیل نقش بزمها در یاری‌رسانی به جامعه‌پذیری افراد بر اساس دو کتاب *هزار و یک شب* و *سمک عیار* است تا نشان داده شود این آداب دیرینه در تقویت مناسبات انسانی اثری مطلوب داشته است. پرسشهای اصلی این تحقیق عبارت است از: بزمها چه نقشی در جامعه‌پذیری افراد داشته‌اند؟ کارکردهای غیرمستقیم بزمها در فرهنگ ایرانی چه بوده است؟ چه ارزشها و هنجارهایی در این بزمها با افراد به اشتراک گذاشته شده است؟

روش مطالعه

این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است. جامعه آماری تحقیق، دو کتاب *هزار و یک شب* و *سمک عیار* است. همچنین حجم نمونه تحقیق، آن بخش از آثار مذکور است که به ابعاد گوناگون بزم‌نشینی اشاره کرده است. برای بازنمایی کارکردهای آداب بزم‌نشینی در فرهنگ ایرانی سعی شده است از مبانی نظری مفهوم «جامعه‌پذیری» در حوزه مطالعات اجتماعی استفاده شود. ساختار کلی مقاله به این صورت است که ابتدا توضیحاتی درباره اصطلاح «جامعه‌پذیری» ارائه میشود و سپس ابعاد گوناگون آن در بزم‌نشینی ذیل عنوانهای «انتقال فرهنگ، شکوفاسازی توانمندیها، رشد تمایلات، جهتدهی به انگیزه‌ها، پدیدآوری نگرشها، نهادینه-سازی ارزشها و هنجارها، آموزش مهارتها و نقشها، ایجاد همبستگی بینافردی، مهار تمایلات ضداجتماعی و پایداری نظام اجتماعی» بررسی میشود.

سابقه پژوهش

تا کنون در هیچ پژوهشی از دید جامعه‌شناسانه به آداب بزم‌آرایی و بزم‌نشینی در *هزار و یک شب* و *سمک عیار* توجه نشده است؛ از این‌رو مقاله حاضر کاملاً نوآورانه بوده و مسبوق به سابقه نیست. در چند پژوهش به کیفیت برپایی بزمها در فرهنگ ایرانی اشاره شده است. اخیانی (۱۳۸۸) در کتاب خود با عنوان *بزم‌آرایی در منظومه‌های داستانی تا پایان قرن ششم*، توضیحاتی را درباره اشخاص، لوازم، مکان، زمان، مناسبتها و رخدادهای بزم در برخی آثار منظوم فارسی ارائه کرده است. در این تحقیق، آثار منثور و داستانی بررسی نشده‌اند. نظری (۱۳۹۰) به بزم‌آرایی در مثنویهای غنایی نظامی پرداخته است؛ همچنین گرجی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به آداب بزم و رزم در *سمک عیار* پرداخته و به مواردی چون شادی خوردن، موسیقی، و چاشنی گرفتن اشاره کرده است.

بحث و بررسی

مفهوم‌شناسی جامعه‌پذیری

از دید بسیاری از جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری فرایندی است که با یادگیری ارتباط دارد و بواسطه آن، افراد قادر میشوند در موقعیتهای گوناگون، نحوه چگونگی رفتار کردن را بیاموزند و اینکه هر نقش یا منزلت اجتماعی که می‌پذیرند، دربرگیرنده چه انتظارات و توقعاتی است (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۱۴). در رویکردی دیگر، جامعه‌پذیری فرایندی آموزشی دانسته میشود که طی آن، مجموعه‌ای از هنجارها و ارزشهای فردی و گروهی با ابزارهای پاداش و کیفر به فرد انتقال داده میشود (کوزر، ۱۳۷۳: ۲۷۹). جامعه‌پذیری پدیده‌ای روانی و اجتماعی است؛ زیرا از طرفی با روحیات و درونیات انسان سر و کار دارد و از سوی دیگر، زمینه‌های لازم را برای نقش‌آفرینی آدمی در جامعه فراهم می‌آورد؛ بنابراین دو بُعد روانی و اجتماعی در این فرایند، برجسته است. از جمله ویژگیهای جامعه‌پذیری، همیشگی

بودن آن است؛ به این معنا که هرگز به پایان نمی‌رسد و هر فرد بصورت مداوم در حال یادگیری هنجارها و الگوهای رفتاری است که کلیت جامعه آن را تأیید میکند. به عبارت دیگر، «هر فرد، هنجارها، ارزشها و الگوهای رفتاری را که جامعه وی بر آنها تأکید دارد، بصورت جزئی از وجود خویش درمی‌آورد» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۹۲-۹۱). زمانی که فرد در روند جامعه‌پذیری قرار می‌گیرد، با قوانین رفتاری بسیاری آشنا میشود و در اثر این آشنایی، که بصورت رسمی یا غیررسمی انجام می‌گیرد، شماری از انتظارات جامعه از او بازنمایی و تشریح میشود. در واقع او درمی‌یابد که کنشگری و رفتار او در جامعه به چه کیفیتی رقم می‌خورد و چگونه است. «جامعه‌پذیری ... موجب حلول قوانین رفتاری هر جامعه و همه انتظارات فرهنگی آن، در کل شخصیت روانی افراد، با توجه به مشارکت آنها در نظام آن اجتماع [می‌گردد و این قوانین و انتظارات را بر شخصیت فرد حک میکند» (آرون، ۱۳۷۰: ۲۲۶-۲۲۵). طبق این رویکرد، جامعه‌پذیری در امر شخصیت‌پذیری هر فرد اثری مستقیم دارد.

اهداف جامعه‌پذیری در بزمهای هزار و یک شب و سمک عیار

کتاب سمک عیار در شمار آثار داستانی برجسته‌ای است که به زبان فارسی در اختیار داریم. «یک دسته از روایات و [داستانهای] پهلوانی شامل یک رشته بسیار دراز از روایات عیاری-پهلوانی عامیانه است که قهرمانان آنان نه ارتشتاران اشرافی، بلکه عموماً از میان مردم کوچه و بازارند. این ویژگی اجتماعی معرفت تعلق این روایات به دوران ایجاد شهرها و شهرنشینی در ایران است» (بهار، ۱۳۷۳: ۷۷). هزار و یک شب نیز مجموعه‌ای داستان‌محور است که در طول قرنهای متمادی تکمیل شده و دوره‌های مختلفی را برای کامل شدن سپری کرده است. بسیاری از صاحب‌نظران (ستاری، ۱۳۶۸: ۱۲)، این اثر را برآمده از سنتهای ایرانیان میدانند و برخی دیگر، این انحصارگرایی را رد کرده و آن را حاصل فرهنگهای شرقی (ایرانی، هندی و عربی) می‌شمارند. جدای از این دیدگاه‌ها، آنچه اهمیت بیشتری دارد، آیینهایی است که در اثنای داستانهای مختلف ذکر شده و زندگی طبقات مختلف مردم را به نمایش گذاشته است. راوی در آثار مذکور، در اثنای حکایت‌های مختلف، شمه‌ای از مظاهر فرهنگ عمومی را بازنمایی میکند که برپای بزمها و مجالس سرخوشی از آن جمله است. بزمها نمودی از لحظات خوش افرادی هستند که پس از پشت سر نهادن دشواریها و مرارت‌های بسیار، دمی را می‌آسایند. البته این رسم اجتماعی فقط در همین کارکرد خلاصه نمیشود و در طول زمان، پیچیدگیهایی به آن افزوده شده است. منظور این است که بزم در مواقعی بستری برای تحقق اغراض دیگر بوده است که در این بین میتوان به جامعه‌پذیری هم اشاره کرد. این آداب همواره در رشد شخصیت اجتماعی افراد اثری مطلوب داشته‌اند. حضور افراد در بزمها به این معنا بود که آنها با مجموعه‌ای از قواعد زیستن در جامعه آشنایی پیدا میکردند؛ همچنین کسانی که شرح وقایع بزمها را میشنیدند، در سیر این فرایند قرار می‌گرفتند. در هزار و یک شب و سمک عیار، بارها به کارکردهای گوناگون بزم‌نشینی اشاره شده است که در ادامه از دید جامعه‌پذیری به آن پرداخته میشود.

انتقال فرهنگ

یکی از کارکردهای جامعه‌پذیری، انتقال فرهنگ است. با تکیه بر این کارکرد، «فرهنگ جامعه از یک نسل به نسل دیگر انتقال پیدا میکند و بدین شکل، بقای جامعه و استمرار آن تضمین میگردد» (کوئن، ۱۳۷۶: ۲۲۴). حضور در بزمها و مشاهده کنش دیگران باعث آشنایی فرد با مجموعه‌ای از فرهنگ‌هاست. یکی از مظاهر فرهنگی، اهمیت ارتباطات انسانی و مناسبات اجتماعی است که برای تداوم حیات بشری اهمیت دارد. تا زمانی که انسانها بتوانند با

هم ارتباط برقرار کنند و خواسته‌ها و نیازهای یکدیگر را درک کنند، به حفظ بقای خود امیدوار خواهند بود. ایجاد اختلال در این ارتباط دوسویه، آثار منفی و نامطلوب عدیده‌ای ایجاد خواهد کرد. برپایی جشنها و بزرها راهکاری مناسب برای تقویت پیوندهای انسانی است. با توجه به شرایطی که در این مجالس ایجاد میشود، افراد بهتر وارد ارتباط میشوند و شناخت آنها نسبت به یکدیگر، عمق و معنای مطلوبتری پیدا میکنند. طبق حکایت هزار و یک شب، بزرها محلی برای حضور بزرگان درباری و لشکری بوده است. معمولاً اعیان وابسته به حاکمیت، مجالسی را برپا میکردند و در آن به شادکامی میپرداختند و یکی از افراد را بزرگ و محترم میداشتند. در متن ذیل، از برپایی بزری بواسطه حضور یک پسر جوان سخن گفته است: «به در خانه محمدبن سلیمان روان شدم، در آنجا مجلسی دیدم که همه بزرگان در آنجا جمع آمده‌اند و در میان ایشان پسری دیدم که بزم از او آراسته [بود]». (هزار و یک شب ج ۱: ۳۰۴)

نمود فرهنگی دیگر، رسمی به نام نوروزی‌گیری بوده است که در آن، مهمانان از میزبان خود، نثار دریافت میکردند. توصیف ارجانی در سمک و عیار از این مجالس نشان میدهد که دختران و پسران در باغی گرد هم می‌آمدند و به عیش و نوش مشغول میشدند. در ادامه، صاحب بزم به دیگران نوروزی بذل میکرد: «چون نوروز رسید و دختر شاه مه‌پری به باغ نوروزی رفت و با دختران به عیش و عشرت میبود. روزی روح‌افزا در صحبت مه‌پری بود و به عیش مشغول بودند. در اثنای سخن، مه‌پری بر سبیل مزاح از روح‌افزا نوروزی طلبید» (سمک عیار، ج ۱: ۴۹)

از دیگر مبنای فرهنگی، اعتقاد به تک‌همسری و پایبند بودن به همسر است. در یکی از بزرها پدر دختر شرط تک‌همسری را برای داماد تعیین میکند. این شرط، که در بافت فرهنگی آن دوره از موارد غیرمعمول به حساب می‌آید، نشان از نقش‌آفرینی عاطفه و احساس در فرایند ازدواج دارد. تن دادن شاه به این شرط با وجود قدرتی که دارد، بیانگر غلبه جنبه عاطفی این ارتباط است: «ملکدار گفت: ای شاه، دختر مال نمیخواهد که اگر مال همه عالم از آن اوست جمله از آن شاه است. دختر میخواهد که عهدی ببندی که تا مه‌پری زن تو باشد با هیچ آفریده دیگر مباشرت نکنی و او را رشک نفرمایی که نتواند دیدن. خورشیدشاه عهد کرد و سوگند خورد که تا مه‌پری زن من باشد، هیچ زن دیگر نکنم» (همان: ۳۷۰).

شکوفاسازی توانمندیها

از جمله کارکردهای جامعه‌پذیری این است که «با توسعه تواناییهای شناختی و استعدادهای عاطفی، شخصیت فرد شکل میگیرد و کمال مییابد» (بیرو، ۱۳۶۷: ۱۰۶). این توانمندیها هم به حوزه عاطفی و شناختی مربوط میشود و هم در ابعاد جسمی نمود پیدا میکند. در هزار و یک شب و سمک عیار، به مقوله زورآزمایی حاضران در بزرها اشاره شده است؛ بنابراین بر استعدادهای جسمانی تأکید شده است. گروهی از حاضران در بزرها با کشتی گرفتن، قدرت جسمانی خود را به رخ یکدیگر میکشیدند و افزون بر این، لحظات خوشی را رقم میزدند. موفقیت در این مبارزه‌ها جایگاه اجتماعی افراد را در میان مردم تضمین میکرد و به آنها اعتبار و هویت میبخشید: «بیایید که تا ماه ننشسته با یکدیگر کشتی بگیریم ... ایشان یک‌یک همی آمدند و کشتی گرفتند. پری‌پیکر بر ایشان چیره گشته، بازوان ایشان با زنار فرومیست» (هزار و یک شب، ج ۱: ۲۷۲). در سمک عیار هم آمده است: «گیلسوار [گفت: ای بزرگوارشاه، تو را معلوم است که مرا با قطران بسیار خصومت افتاده است. از بهر مردانگی بسیار با هم افکنده‌ایم و در نوروزها که پهلوانان با هم آزمایش کنند در میدان، من و قطران با هم کوشیده‌ایم و کسی مطفر نشد. با هم بسند نیامدیم» (سمک عیار، ج ۱: ۱۷۵).

نهادینه‌سازی ارزشها و هنجارها

زمانی که فرد در فرایند جامعه‌پذیری قرار می‌گیرد، با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای اجتماعی آشنا می‌شود تا نقش‌آفرینی او در میان مردم به بهترین شکل انجام گیرد؛ بنابراین یکی از هدفهای جامعه‌پذیری، «آموزش قواعد و نظامات اساسی، از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روشهای علمی به افراد است» (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۳۶) تا از این طریق، امکان زندگی مطلوبتر برای او فراهم شود. فرد جامعه‌پذیر، باید ارزشها و باورهای بنیادی جامعه را طی این فرایند در ذهن خود متمرکز کند و بدان عمل نماید.

در بزرمهایی که راوی در سمک عیار و هزار و یک شب به آن اشاره کرده است، بسیاری از آداب و هنجارهای اجتماعی بصورت مستقیم و غیرمستقیم بازنمایی شده است. از جمله مهمان‌نوازی که یکی از مهمترین عوامل بزم‌آرایی بوده است؛ بطوری که میزان کرامت و برکت یک خانه به میزبانی از مهمانها بستگی داشته است. پذیرایی از مهمان و گرمی داشتن او در همه فرهنگها بعنوان ارزش محسوب می‌شود. مهمانها شخصیتهایی با طبقات و جایگاه اجتماعی همسانی نبوده‌اند؛ از این رو مجالسی که برای افراد تازه‌وارد برپا می‌شد، با موقعیت اجتماعی آنان ارتباط داشت. معمولاً بزم‌آرایی در این موقعیت، این پیام را به مهمان انتقال می‌دهد که حضورش موجب شادی و سرخوشی میزبان شده است. حال که مهمان‌نوازی یک ارزش تلقی می‌شود، بی‌حرمتی به مهمان، کنشی نکوهیده است. مفهوم بزم‌آرایی در معنی واژه «میزبان» نهاده شده است. در اوستا، ریخت اصلی میزبان بصورت «میزد» آمده که به معنی خوردنیهایی مانند گوشت، نان و میوه است که در جشنهای دینی بر سر خوان قرار میدادند (عفیفی، ۱۳۷۴: ۶۲۸)؛ بنابراین میزبان کسی است که این خوردنیها را روی سفره میگذارد تا مهمان از آن تناول کند. مهمان‌نوازی بعنوان یک ارزش از طریق حکایت ذیل تبیین شده است: «او را سلام داد و به او گفت: به مهمان مایلی یا نه؟ یونس گفت: آری. در حال، آن جوان در نزد او فرود آمد و به او گفت: شراب خود به من بپیمای. یونس ساغری نیبذ بر وی بپیمود و گفت: از بهر ما نغمه بسرای» (هزار و یک شب، ج ۴: ۲۷۸-۲۷۷).

در سمک عیار، مجلس‌آرایی برای استقبال از عروس صورت گرفته است. اگر عروس وابسته به دربار باشد، با خدم و حشم بیشتری از او استقبال به عمل می‌آید و شهر چراغانی شده و مجالس شادی و سماع برپا می‌شود. از این طریق، جایگاه و موقعیت اجتماعی صاحب بزم و نیز مهمان اصلی آن برای مردم مشخص می‌شود: «مرزبان‌شاه بفرمود تا وزیر وی هامان و جمله سپاه خاص و عام استقبال کنند و منادی فرمود تا سراسر شهر آذین بستند و بر هر جای مغنیان آواز سماع برآوردند، و شهر از خوشی چون بهشت بود... از پس هامان وزیر، چهل مهد گوهرنگار با دویست خادم اسفیدپوست و صد کنیزک روانه شدند تا به گلنار رسیدند و او را در مهد نشانند [و] با سازی نیکو به شهر درآوردند. چندان نثار کردند که وصف نتوان کرد تا دختر [را] به سرای خاص فرود آوردند» (سمک عیار، ج ۱: ۶).

پذیرایی فغفورشاه از فرخروز و خورشیدشاه و برپایی مجالس بزم به اصل مناسبات سیاسی بین حاکمان اشاره دارد؛ به این معنا که شخصیتهای سیاسی نواحی مختلف برای تقویت روابط خود و نیز بازنمایی پیام حسن نیت به طرف مقابل، در استقبال از او مراسم باشکوهی را برپا می‌کردند و با پذیراییهای گسترده و متنوع، ارزش و اعتبار مهمان را مشخص می‌کردند: «شاه فغفور در قد و بالا و چهره و جمال فرخروز نگاه کرد، جوانی شاطر دید، چالاک و ماهروی. وزیر با پهلوانان در وی نظاره. تا وزیر اشارت کرد با شرابداران خاص، شربت آورند و در قدح و زرین سیمین نهاده. چاشنی‌گیر همه چاشنی گرفت و جلاب درداد، باز خوردند. پس خوان سالاران بیامدند و خوان بنهادند و نان بخوردند ... و فراشان بیامدند و طشت و آفتابه بیاوردند و دستها بشستند و مجلس بزم بیاراستند، و نقلدانه‌ای [زرین و

سیمین و صراحی زرین لطیف نهاده و مطربان خوش‌آواز، آواز برآوردند؛ چنانکه آواز ایشان به فلک برآمد. ساقیان شراب درمیدادند تا شراب در طبع ایشان راست بایستاد» (همان: ۳۹).

موضوع دیگری که در بزماها بعنوان ارزش مطرح شده، اهمیت دادن به گفتمان شادمانی است. این اصل در سامانه فکری ایرانیان جایگاه برجسته‌ای دارد. مردمان این سرزمین از دیرباز در اندیشه برپایی نشستهایی بودند تا لحظاتی را به دور از اندوه این جهانی سپری کنند. بر این پایه، وقتی وزیر از شاه درباره موضوعی سؤال و درخواست نظر میکند، او بیان میدارد که پس از شراب‌نوشی و بزم‌نشینی راهبردهای لازم را بیان خواهد کرد. رفتارشناسی شاه نشان‌دهنده اهمیت فرهنگ شادمانی و ارج نهادن به جشن نوروز است و چیرگی گفتمان شادنوشی را در زندگی روزمره تبیین میکند: «کلنگال برخاست و پای تخت را بوسه داد و گفت: ای شاه بزرگوار، چه میفرمایی؟ خاقان گفت: امروز نوروز است. شراب میخوریم و فردا جواب میدهیم» (همان، ج ۳: ۱۹۳).

اقناع نیاز به شادمانی، اصلترین کارکرد بزم‌آرایی است. به عبارت دیگر، اگر مؤلفه‌های دیگر را جزو کارکردهای غیرمستقیم برپایی بزماها بدانیم، تأمین حس شادی و فرسودگی روحی، کارکرد مستقیم این پدیده به شمار می‌آید. بزم‌نشینان گرد هم می‌آیند و مشغول شادی میشوند تا دقایقی را از هیاهوی جهان دور باشند. در هزار و یک شب نیز به این موضوع اشاره شده و از نغمه‌های نشاط‌انگیز و آلت‌های طرب‌برانگیز در بزم سخن به میان آمده است: «در حال، کنیزک آستین ملکزاده گرفته به قصر اندر برد و در آن قصر چهل غرفه و در هر غرفه ده تن کنیزکان ماهروی بود که هر یکی یک گونه آلت طرب در کف داشت و هرگاه یکی از ایشان آلت طرب مینواخت، از نغمه‌های نشاط‌انگیز او قصر به رقص می‌آمد» (هزار و یک شب، ج ۴: ۵).

وفاداری و پایبندی به روابط عاشقانه بعنوان یک ارزش در این بزماها مورد توجه دو سوی ارتباط قرار گرفته است. پیمانی که میان عاشق و معشوق بسته میشود، جنبه‌ای معنوی و اخلاقی به پیوند آنان میدهد. این دو تلاش میکنند در خوشترین و بهترین لحظات زندگی خود، از تعهدی سخن بگویند که باعث میشود پایه‌های این ارتباط تقویت پیدا کند و مانا شود. بر این پایه، سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال در یکی از مجالس شادی پیمان محبت و عشق‌ورزی میبندند که بیشتر جنبه عاطفی دارد و طرفین را بلحاظ اخلاقی، پایبند میکند. طرح این پیوند، مرز میان هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی را بخوبی بیان میکند و تأکید طرفین بر این رفتار، مخاطب را با اهمیت پایبندی به عهد در کلیه امور اجتماعی آشنا میکند: «پس از آنکه بدیع‌الجمال و سیف‌الملوک با یکدیگر پیمان بستند، هر دو از مجلس برخاسته در باغ همی گشتند» (همان، ج ۱: ۵۲۶-۵۲۵).

در داستان سمک عیار، پس از برگزاری عقد نکاح، کسانی که در مجلس حضور داشتند، به برکت این رویداد فرخنده، نثارها مبذول میداشتند. گویا این بذلهای بزمانه یکی از هنرنماییهای شاهانه بوده و در ارتقای محبوبیت اجتماعی وی اثری مطلوب داشته است. جالب آنکه طبق روایت ارجانی، علاوه بر شاه، اطرافیان او (پهلوانان) نیز بذل و بخشش میکردند و حاضران را بهره‌مند میساختند. برونداد اخلاقی این کنش نشان میدهد که بذل و بخشش از سوی بزرگان جمع در حق مهمانان، امری نکوهیده بوده و با توجه به دستاوردهای شخصیتی مطلوب برای انجام‌دهندگان این کار، دیگران نیز ترغیب و تشویق به انجام این عمل میشدند؛ بنابراین در ژرفساخت این کنش، نوعی ارزشگذاری پنهان دیده میشود: «در حال بفرمود [شاه سماوق] تا بزرگان و قاضیان و اهل علم حاضر آمدند و دختر خویش بدان آیین به مرزبان شاه داد ... پس برای خرمی آن روز شراب خوردند و [جمله پهلوانان] خاص و عام نثار کردند ... و یک هفته در [شادی و] خرمی به سر بردند» (سمک عیار، ج ۱: ۵).

آموزش مهارت‌ها و نقشها

یکی از موضوعاتی که در امر جامعه‌پذیری نمود پیدا میکند آموزش مهارت‌ها و نقشهایی است که فرد باید در جامعه و زندگی میان مردم، فراگیرد و انجام دهد. در واقع جامعه‌پذیری بستری را فراهم می‌آورد که فرد بتواند با کیفیت بهتری در جامعه به نقش‌آفرینی بپردازد. «فقط با اکتساب و یادگیری مهارتهاست که افراد میتوانند در جامعه منشأ اثر واقع شوند. در جامعه‌های سنتی، امر زندگی از طریق تقلید و تکرار آموخته میشود. در جوامع امروز، یادگیری مهارتهای انتزاعی خواندن و نوشتن، مهمترین وظیفه اجتماعی کردن است. فردی که فاقد مهارتهای لازم و مورد نیاز جامعه است از لحاظ اقتصادی غیرمولد و از لحاظ اجتماعی، بیگانه و حاشیه‌نشین محسوب میشود» (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۴۹-۴۸). بزمها از جمله موقعیتهایی بوده است که فرد برای فرار از حاشیه‌نشینی و حضور موفق در جامعه، آموزشهای لازم را برای کسب مهارتهای اجتماعی بصورت غیرمستقیم تجربه میکرده است. رفتارشناسی معشوق و عاشق در بزمها نشان میدهد معمولاً زنان به استقبال مردان میروند و بزم‌آرایی میکنند و به انتظار حضور عاشق (شاید هم معشوق) مینشینند؛ بنابراین آنچه بشکل غیرمستقیم به شنونده آموزش داده میشود، کیفیت ارتباط‌گیری بهتر است. در واقع مخاطب درمییابد یکی از مهارتهای مورد نیاز برای جلب رضایت طرف مقابل، انجام کنشهایی است که بازتاب‌دهنده حس احترام و علاقه باشد. در نتیجه آن را تقلید میکند. «تقلید [در جامعه‌پذیری]، نسخه-برداری از رفتار، ارزشها و نگرشهای دیگر افراد یا گروه‌های دیگر است. این روش یکی از اصلیتترین ابزارهای جامعه‌پذیری است که در همه رده‌های سنی مصداق مییابد» (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۲۷-۱۲۶). در حکایت ذیل، تقلید شنونده از مهارت ارتباط‌گیری عاشق و معشوق، از طریق کنشگرهای عاشق، برجسته شده است: «چون عاشق به خانه زن رفت، زن بر پای خاسته با جبین گشاده او را ملاقات کرد و گرامیش بداشت و دست او را ببوسید و ضیافتی لایق از برای او ترتیب داد» (هزار و یک شب، ج ۱: ۸۳).

در بخش دیگری از کتاب، به حکایتی اشاره شده است که در آن، وزیری هوشمند با اتخاذ تدبیری مطلوب به مقام و منزلتی شایسته دست پیدا میکند و جایگاه خود را نزد شاه ارتقا میدهد. او با تکیه بر مهارت خواندن و سخنوری، رضایت فرد مقابل را، که صاحب قدرت و ثروت است، جلب کرده و به جایگاه صدراعظمی دست پیدا میکند. بازگویی این حکایت نشان میدهد افراد با تکیه بر مهارتهای مربوط به خواندن و نوشتن، در موقعیتهایی قرار میگیرند که انتظار آن را ندارند و از این طریق میتوانند زمینه‌های لازم را برای رشد جایگاه خود در جامعه فراهم بیاورند: «چون ملک سخن بازرگان بشنید، در حال فرمود امیران و عالمان را حاضر آوردند و بازرگان به کرسی نشسته این قصه در نزد ملک فروخواند. چون ملک و حاضران [در مجلس] قصه بشنیدند ... [ملک] او را بزرگترین وزیران خود کرد و فرمود که این قصه را به آب زر بنویسند» (همان: ۴۷۹).

ایجاد همبستگی بینافردی

یکی از اصلیتترین کارکردهای جامعه‌پذیری، ایجاد همبستگی میان افراد است. «شخص باید بتواند بصورت مؤثری با دیگران ارتباط برقرار کند» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۹۹-۹۸) و این هدف اجتماعی شدن است. اهمیت این مقوله از آنجا نشئت میگیرد که انسان موجودی اجتماعی است و برای حضور بهتر در جامعه، باید با دیگران ارتباط برقرار کند. هر اندازه همبستگی میان افراد و ارتباط برقرارشده، از کیفیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار باشد، زندگی اجتماعی اعتبار و ارزش بیشتری خواهد یافت. در جامعه‌پذیری، تمرکز بر تقویت این اصل در افراد دیده میشود.

در بزمهای هزار و یک شب، پیوندهای میان فردی با روشهای گوناگون تقویت میشود؛ از جمله عقد پیمان و یادکرد سوگندهای گران. زن و شوهر در کنار هم و در حالیکه مشغول طرب و شادمانی هستند، هم‌پیمان میشوند که برای همیشه به هم وفادار باشند و هرگز پیوند خود را نگسلند. فضای عاطفی که در بزمها بر شکلگیری این ارتباط حاکم میشود، بر ماندگاری آن میفزاید؛ زیرا در مجالس طرب و شادمانی، دلها به هم نزدیکتر است: «سیف‌الملوک بنشست و با بدیع‌الجمال دست یکدیگر را گرفته سوگند یاد کردند که هیچ یک، دیگری بجای محبوب خود نگزیند، چه از انسیان باشد چه از جنیان. پس از آن یکدیگر را در آغوش کشیدند و از غایت فرح بگریستند و شوق و وجد به سیف‌الملوک چیره گشت» (هزار و یک شب، ج ۱: ۵۲۶-۵۲۵).

هنگامی که سیف‌الملوک بعد از سالها برادر خود را در هند پیدا میکند، در نخستین اقدام جشنی برپا میکند تا شادمانی خود را از این رویداد مهم نشان دهد؛ بنابراین بزم در این موارد یکی از بروندادهای عاطفی عینیت‌یافته است. سیف‌الملوک عزیزی را که سالها از دست داده بود، بطور اتفاقی در کشوری بیگانه مییابد و بشدت از این رخداد خوشحال میشود. او با برپایی بزمی باشکوه، نسبت به این واقعه واکنش نشان میدهد. سیف‌الملوک -که منصبی مهم در دربار هند دارد- به خادمان خود دستور میدهد برادر را به گرمابه‌ای برند و لباسهای فاخر بر تن او بپوشانند و در نهایت، به مجلس بیاورند. حرمتگذاری سیف‌الملوک در حق برادر، انگیزه‌ای مهم برای برپایی جشن و بزم شده است: «پس از آن سیف‌الملوک فرمود که ساعد را به گرمابه برند. خادمان چنان کردند. چون از گرمابه بیرون آمد، جامه‌های دیبا بر وی بپوشانیدند و او را به مجلس سیف‌الملوک بازآوردند» (همان، ج ۵: ۵۱۳).

پایداری نظام اجتماعی

یک جامعه برای آنکه انسجام و اتحاد خود را به شکل مقبولی حفظ کند، نیاز به اعضای دارد که فرایند جامعه‌پذیری را طی کرده و با قاعده‌های کلی حضور در جامعه آشنا شده باشند. «برای اینکه جامعه دارای انسجام و دوامی معقول باشد، باید دارای اجماع و وفاق کافی باشد. انسجام و دوام بیشتر جامعه بستگی به میزان جامعه‌پذیری افراد دارد. اگر جامعه عناصر اجتماعی و فرهنگی خود را در مسیر خواسته‌های اجتماعی-اقتصادی افراد جامعه قرار دهد و با نیازهای آنها همگامی کند، آموزش و جامعه‌پذیری افراد سهولت انجام میشود. در غیر این صورت، ناسازگاریها و ناکامیها بروز خواهند کرد» (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۱۳)؛ بنابراین جامعه‌پذیری عنصری برای دوام نظام اجتماعی است و عدم توجه به آن، بحرانزا خواهد بود.

در هزار و یک شب و سمک عیار از روشهایی در بزمها استفاده شده است تا شاهان و دیگران با کاربست آن به نظام اجتماعی مطبوع خود انسجام دهند و آن را طبق خواسته خود پیش برند. از جمله تشریفات شاهانه که در بزمها اتفاق میفتاد، بذل و دهش شاه بود. شاه در این موقعیتهای فرصت را غنیمت میشمرد و با چنین رفتارهایی، بر حلقه دستان و نزدیکان خود میفزود و با تکیه بر سخاوت و گشاده‌دستی، نگاه مطلوب عوام و خواص را بسوی خود جلب میکرد. به عبارت دیگر، بذل شاهانه در بزمها نقش تبلیغاتی برای او داشته است تا بر وفاداری آنها به حکومت بیفزاید و پایه‌های سلطنتش را تقویت کند و بر پایداری نظام سیاسی خود از رهگذر اتحاد جامعه بیفزاید. «سخاوت پادشاه بر جلوه سلطنت میفزود و نامش را در تاریخ بلند میکرد» (کریستن‌سن، ۱۳۷۰: ۵۳۴). هنگامی که این اقدام در محیطی شاد و فرحبخش انجام میگرفت، اثرگذاری دوچندانی داشت و فضای فکری و ذهنی برای پذیرش قدرت نظام حاکم از سوی مردم، آماده‌تر بود. در یکی از حکایتهای هزار و یک شب، ملک علاوه بر سیم و زر و گوهر، خلعتی از بهترین جامه‌های خود را به یکی از مهمانها یعنی بازرگان میدهد و مهمتر از آن، شهری بزرگ را

به او میبخشد. گویا این بذلهای بزمانه یکی از هنرهای شاهانه به شمار می‌آمده و در ارتقای محبوبیت اجتماعی او مؤثر بوده است: «چون ملک و حاضران [در مجلس] قصه بشنیدند، شگفت ماندند و زر و سیم و گوهرها بر او نثار کردند. پس از آن ملک خلعتی از بهترین جامه‌های خود را با شهری بزرگ به بازرگان بداد» (هزار و یک شب، ج ۱: ۴۷۹).

ازدواج بعنوان یکی از مصداقهای پایداری نظام جامعه در بزمها مورد توجه قرار گرفته است؛ بگونه‌ای که یکی از دلایل اصلی برپایی بزمها در فرهنگ ایرانی بوده است: «پس مشاطگان دست صنعت [گری] گشادند و جمال گلنار می‌آراستند تا نوبت شب عروسی آمد. مرزبان‌شاه با هامان وزیر و شروان وزیر به حجله آمدند و گلنار دست به رخسار گرفت. مشاطگان دست از رخسار او بازگرفتند [و] دیدار به شاه نمودند» (سمک عیار، ج ۱: ۷-۶).

از جمله اقدامات دیگر این بود که شاه برای برپایی آیین ازدواج فرمان میداد میدانها را بیارایند. این توصیف بدان معناست که بدلیل اهمیت چنین روزی، شاه با صرف هزینه‌های کلان، فضایی شاد و دل‌انگیز برای مردم ایجاد میکرد. زمان برپایی بزمهای عمومی مرتبط با ازدواج نیز بیش از بزمهای دیگر بوده و گاهی تا چند هفته ادامه پیدا میکرد. برپایی چنین آیینهایی بر استحکام نظم اجتماعی میفزود و ازدواج را بعنوان هنجار تقویت‌کننده جامعه مطرح میکرد و بر میل حاضران برای انجام این کار میفزود: «روز دیگر شاه بفرمود تا میدان را بیاراستند ... روز دیگر که آفتاب جهانتاب طالع شد، باز میدان را بیاراستند» (همان: ۴۱).

گاهی شاه برای تقویت و استحکام روابط و مناسبات سیاسی خود با حاکمان دیگر، به نمایندگی او که در مجلس بزم حضور داشت، خلعتی میبخشید. «شناخت موضوع خلعت و تحلیل جنبه‌های آن دشواریهای بسیاری دارد. از جمله، گزارشهایی راجع به اعطای خلعت در موارد بسیاری با بخششهایی چون انعام، هدیه، جایزه، صلح و پیشکش درآمیخته است و برای مثال، هدایای پادشاهان به سفیران خارجی یا جامه‌های اعطایی پادشاهان به همتایان خود و یا جامه‌هایی که بعنوان مستمری غیرنقدی به کارکنان دیوانها میدادند نیز گاهی خلعت به شمار آمده‌اند» (سبزی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۸). دریافت خلعت از شاه مقوله مهم و باارزشی بود؛ زیرا شاه فقط در حق نظرکرده‌هایش چنین لطفی را روا میداشت. در این کارکرد بزم‌آرایی، توجه به پایداری نظام سیاسی از رهگذر آداب اجتماعی نمودار شده است: «زلزال (شاه) بفرمود تا خلعتی بیاوردند و به ارغند (رسول) دادند و او را گسیل کردند» (سمک عیار، ج ۲: ۲۹۴).

نتیجه‌گیری

انتقال فرهنگ یکی از کارکردهای بزمها در آثار مذکور بوده است. از جمله مظاهر فرهنگی که از این طریق با مخاطب به اشتراک گذاشته شده است، میتوان به «حرمت نهادن در حق شخصیت‌های برجسته و صاحب‌نام؛ بزرگداشت جشن نوروز و فرهنگ خلعت بخشیدن به کوچک‌ترها؛ وفاداری در حق همسر و پایبند بودن به پیوند زناشویی» اشاره کرد؛ همچنین بواسطه برپایی این بزمها بسیاری از شخصیتها میتوانستند قدرت جسمانی خود را بروز دهند و در رقابت با دیگران و پیروزی در مسابقات کشتی، جایگاه اجتماعی خود را تحکیم بخشند و به فرایند اجتماعی شدن خود سرعت دهند. در واقع این کارکرد بزم، زمینه‌های لازم را برای حضور مقتدرانه فرد در جامعه فراهم می‌آورد. نهادینه‌سازی ارزشها و هنجارهای اجتماعی نیز از کارکردهای بزمها بوده است. در هزار و یک شب و سمک عیار، مواردی چون مهمان‌نوازی؛ توجه به شادمانی؛ پایبند بودن به پیمانها و سوگندها؛ بخشش و بذل

خلعت و مال به بزم‌نشینان، بعنوان ارزش و هنجار اجتماعی مطرح شده و مخاطب با آن آشنایی پیدا کرده است. آموزش مهارت‌ها و نقش‌های اجتماعی نیز در بزمها صورت می‌گرفت و این مؤلفه را میتوان بعنوان کارکرد غیرمستقیم آن در نظر گرفت. بر این پایه، نحوه ارتباط‌گیری و رفتارشناسی عاشق و معشوق در این جشنها به مخاطب نشان داده شده است؛ همچنین مهارت سخن گفتن در نزد بزرگان و تأمین منافع شخصی بواسطه فراگیری این مهارت، در یکی از حکایتها ذکر شده است. از کارکردهای دیگر برپایی بزمها در آثار مذکور، ایجاد همبستگی بینافردی بوده است؛ به این معنا که افراد از این طریق، روابط خود را تقویت میکردند. برای مثال، عاشق و معشوق سوگند یاد میکردند که به این عشق وفادار بمانند یا دو دوست با بزم‌نشینی، پیوندهای خود را عمیقتر میکردند یا دو برادر که پس از سالها و بصورت اتفاقی موفق به دیدار هم میشدند، در نخستین اقدام، بزمی می‌آراستند و به گفتگو مینشستند. همه این مصداقها نشان میدهد که حضور در بزمها با طیب خاطر صورت می‌گرفت و زمینه‌های تقویت روابط بینافردی را فراهم می‌آورد. کارکرد دیگر بزمها در فرایند جامعه‌پذیری، پایداری نظام اجتماعی بوده است. در این زمینه، شاهان برای استحکام‌بخشی به پایه‌های قدرت خود و ایجاد محبوبیت اجتماعی و بتبع آن، افزایش قدرت خود در بزمها حضور پیدا میکردند و با بذل و بخشش فراوان، بسترهای ایجاد اتحاد مردمی برای ماندگاری قدرت خود را پدید می‌آوردند؛ افزون بر این، ازدواج بعنوان یکی از مصداقهای پایداری نظام جامعه در بزمها مورد توجه قرار گرفته است؛ بگونه‌ای که یکی از دلایل اصلی برپایی بزمها در آثار مذکور، ازدواج کردن است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در مجتمع علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد استخراج شده است. سرکار خانم دکتر بتول فخراسلامی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم نفیسه خلیل‌طوسی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر پروین‌دخت مشهور به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود لازم میداند مراتب تشکر خود را از جناب آقای دکتر رضا اشرف‌زاده، استاد بزرگواری که نویسنده را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نماید.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق

کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Afifi, Rahim. (1995). Iranian mythology and culture in pahlavis writings. Tehran: Toos, p.628.
- Akhvani, Jamile. (2009). Bazm arayi in narrative poems until the end of the 6th century. Tehran: Sokhan, introduction p.17.
- Arjani, Faramarz ibn khodadad. (1988). Samak ayyar. Introduction and proofreading by parviz Natel khanlari. Tehran: university of Tehran.
- Aron, Raymond. (1991). Basic stages of thought in sociology, translated by bagher Parham. 2 editions, Tehran: publications of Islamic education and revolution, pp.225-226.
- Bahar, Mehrdad. (1994). Some research in iranian culture. Tehran: Fekr-e-rooz, p.77.
- Biroy, Alain. (1988). Vocabularie paratiquedes sciens sociales. Translated by bagher Sarukhani. Tehran: Kian, p. 106.
- Christensen, Arthur. (1991). Iran during the sasanian era. Translated by Rashid yasemi. 7th edition. Tehran: Donyaye ketab, P.534.
- Coser, lewis. (1994). The life and thought of great sociologists. Translated by Mohsen Salasi. 5th edition. Tehran: Elmi, p. 279.
- Dehkoda, Aliakbar. (1993). Dictionary. Tehran: university of Tehran.
- Georg, Ritzer. (2005). "Contemporary sociological theory". Translated by Mohsen Salasi. 10th etition. Tehran: Chavoshgaran naghsh.
- Giddens, Anthony. (2004). Sociology. Translated by Manochehr Sabori. 13th edition. Tehran: Nashr-e-Ney, pp.91-92, 98-99.
- Gorji, Mansoure. (2012). "Etiquettesi bazm and battle in Samak ayyar". *Persian language literature development magazine*. Namber4.
- Kohen, Bruce. (1997). Introduction to sociology. Translated and adaptation Gholamabbas Tavassoli and Reza Fazel. 9th edition. Tehran: Samt, p.324.
- Nazari, Samira. (2011). Bazm arayi in nizamis lurical masnavis. Master's thesis of Azarbayjan teacher education college.
- Sabzalipour, Jahandost. (2006). "A look at khal'at and khal'at in history". *Growth magazine*; number77, p.26-28.
- Salami, Ali and Davari, Mohammad. (2006). Crooked sociology. Qom; Research institute of field and university, p.113.

- Saroukhani, Bagher. (2007). *Sociology of communication*. 19th edition. Tehran: Etela'at, pp.48-49.
- Sattari, Jalal. (1989). *Shahrzads charm. A study in thousand charms*. Tehran: Toos.
- Sotudeh, Hedayatollah and partners. (1997). *Sociology. Key concepts*. 2th edition. Tehran: Avaye noor, p.336.
- Thousands and one nights. (1936). Translated by Abdollatif Tasooji. By effort Mohammad Ramezani. Tehran: Kalale khavar.

فهرست منابع فارسی

- آرون، ریمون، (۱۳۷۰)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، چاپ دوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اخیانی، جمیله، (۱۳۸۸)، بزم آرایبی در منظومه‌های داستانی تا پایان قرن ششم، تهران: سخن.
- ارجانی، فرامرین خداداد، (۱۳۶۷)، سمک عیار، مقدمه و تصحیح از پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهار، مهرداد، (۱۳۷۳)، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: فکر روز.
- بیرو، آلن، (۱۳۶۷)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیان.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، لغتنامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ریتز، جورج، (۱۳۸۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دهم، تهران: چاوشرگان نقش.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی ارتباطات، چاپ نوزدهم، تهران: اطلاعات.
- سبزی‌پور، جهان‌دوست، (۱۳۸۵)، «نگاهی به خلعت و خلعت‌بخشی در تاریخ»، مجله رشد، شماره ۷۷، صص ۲۶-۲۸.
- ستاری، جلال، (۱۳۶۸)، افسون شهرزاد؛ پژوهشی در هزار افسون، تهران: توس.
- ستوده، هدایت‌الله و همکاران، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی؛ مفاهیم کلیدی، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- سلیمی، علی و داوری، محمد، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عفیفی، رحیم، (۱۳۷۴)، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس.
- کریستن‌سن، آرتور، (۱۳۷۰)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ هفتم، تهران: دنیای کتاب.
- کوزر، لوییس، (۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علمی.
- کوئن، بروس، (۱۳۷۶)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس از غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ نهم، تهران: سمت.
- گرچی، منصوره، (۱۳۹۱)، «آداب بزم و رزم در سمک عیار»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۴.

گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.
نظری، سمیرا، (۱۳۹۰)، بزم‌آرایی در مثنوی‌های غنایی نظامی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تربیت معلم
آذربایجان.
هزار و یک شب، (۱۳۱۵)، ترجمه عبداللطیف تسوجی، به کوشش محمد رمضانی، تهران: کلاله خاور.

معرفی نویسندگان

نفیسه خلیل‌طوسی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، مجتمع علوم انسانی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(Email: nafisehkhailtosi@yahoo.com)

بتول فخراسلام: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، مجتمع علوم انسانی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(Email: fakhreslam@iau.neyshabur.ac.ir: نویسنده مسئول)

پروین‌دخت مشهور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

(Email: p_d_mashhoor@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Nafiseh Khaliltosi: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Humanities Complex, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Email: nafisehkhailtosi@yahoo.com)

Batol Fakhreslam: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Humanities Complex, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Email: fakhreslam@iau.neyshabur.ac.ir : Responsible author)

Parvindokht Mashhoor: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

(Email: p_d_mashhoor@yahoo.com)